

## مقدمه

عمر مطالعات تاریخ اجتماعی نوین در ایران هنوز به دو دهه نرسیده، با این حال خوشبختانه پس از تأسیس نخستین گروه پژوهشی تاریخ اجتماعی در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی در ۱۳۸۵، تأسیس دو مجله برای انتشار تحقیقات تاریخ اجتماعی و اقتصادی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، ایجاد گروه پژوهشی تاریخ اجتماعی ایران در همین پژوهشگاه در ۱۳۹۱ (نک برومند، ۱۳۹۳: ص ۱۶-۱۷؛ «تولد تاریخ اجتماعی در ایران» ۱۳۹۸: ص ۱۴۸-۱۶۵) و شروع روند تصویب تدریجی تأسیس گروه‌های تخصصی آموزشی تاریخ اجتماعی ایران در برخی از دانشگاه‌های کشور در مقاطع تکمیلی، سرعت اقبال به مطالعات تاریخ اجتماعی و آموختن روش‌شناسی و روش تحقیق در این رویکرد نوین به مطالعات تاریخی در ایران بسیار چشمگیر و فزاینده بوده است. در این زمینه، کتاب‌ها و مقالاتی برای آموزش تاریخ اجتماعی به دانشجویان و علاقه‌مندان به فارسی تألیف یا ترجمه شده است<sup>۱</sup> و کم‌وبیش چستی تاریخ اجتماعی و تا حدی تفاوت‌های آن با انواع دیگر تاریخ‌نگاری یا دست‌کم تفاوت آن با تاریخ‌نگاری سنتی به نحو قابل قبولی توضیح داده شده است. هرچند برای تدوین و تولید منابع آموزشی کافی در این زمینه راه بسیار درازی در پیش است، به‌ویژه اینکه روش‌شناسی و روش تحقیق کارآمد برای گرایش‌های مختلف مطالعات تاریخ اجتماعی اسلام و ایران را باید بر اساس نقد و ارزیابی آثاری پدید آورد که با این شیوه تاریخ‌پژوهی نگاشته شده باشند.

در کارگاه‌های آموزشی یا در نقدهای مقالات و برخی از کتاب‌ها، گاه پرسش‌هایی مطرح می‌شود که مشخص می‌کند کدام نقاط از مباحث راجع به روش مطالعه تاریخ اجتماعی، دچار پیچیدگی‌های بیشتری انگاشته می‌شود یا دانشجویان با وجود برخی منابع آموزشی که تا کنون به فارسی ترجمه یا تألیف شده، همچنان در چه حوزه‌هایی از مباحث روش‌شناختی و

---

۱. برای فهرستی از این منابع نک مقدمه ترجمه تاریخ اجتماعی: مسائل، راهبردها و روش‌ها، مایلز فربرن، ترجمه ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمد ابراهیم باسط، سمت، ۱۳۹۴، ص ده؛ برومند: ۱۳۹۳.

روش تحقیقی این دست مطالعات، با برخی ابهامات روبه‌رویند. شاید مهم‌ترین مسئله یا در واقع عمده‌ترین سؤال در این زمینه، پرسش از چیستی تاریخ اجتماعی باشد که البته پیش‌تر در این باره با جمع‌بندی و نقد تعاریف سابق و لاحق، تعریفی ارائه کرده بودم که دربرگیرندهٔ اغلب - اگر نگوییم همهٔ - حوزه‌ها و زیرشاخه‌های این مطالعات در بافتار فرهنگی و اجتماعی اسلام و ایران باشد:

تاریخ اجتماعی، دانشی است که در آن اشکال متنوع روابط اجتماعی در بستر تاریخی مطالعه می‌شود: روابط مردم با مردم، روابط مردم با حکومت، و روابط مردم با زیست‌جهان مادی و معنوی‌شان.

حوزهٔ اول، یعنی روابط مردم با مردم، دربردارندهٔ مجموعهٔ اجزاء و عناصر تشکیل‌دهندهٔ زندگی روزانهٔ مردم در دوره‌های تاریخی مورد پژوهش یا سیر آن در ادوار تاریخ است. در این بخش به انواع خوراک، نحوهٔ تولید و فرآوری غذاها، سلیقه و ترجیحات و امتناعات و به‌طور کلی فرهنگ تغذیه‌ای مردم، پوشاک و تنوعات آن و فرهنگ پوشاکی، آرایش ظاهری، صنایع و مشاغل و اصناف، ادوات و اشیاء و ابزارهای کار و نیز اسباب زندگی روزانه، اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، بازی‌ها و ورزش‌ها و مسابقات، نظام خانواده و برنامه‌های خانه، بهداشت روزانه و جز آن‌ها پرداخته می‌شود.

حوزهٔ دوم، یعنی روابط مردم با دولت و حکومت، شامل بررسی سازمان‌ها و تشکیلات اداری و مالی و نظام دیوانی و نیز تشکیلات نظامی و انتظامی همچون نظام قضایی، پلیس و امنیت شهری، حسبه، زندان‌ها و جز آن‌هاست.

حوزهٔ سوم، یعنی روابط مردم با زیست‌جهان، به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: (۱) روابط مردم با زیست‌جهان مادی‌شان که شامل اجزاء مادی شیوه‌های زندگی و مناسبات حاکم بر آن‌ها از جمله نظام‌های شهرنشینی و شهرسازی، مثلاً مباحث راجع به بافت جمعیتی و تقسیمات گروه‌ها و طبقات اجتماعی از جمله مطالعه دربارهٔ طبقهٔ حاکم و رعایا و تقسیم مردم به خواص و عوام، و گروه‌های معیشتی همچون کشاورزان، تاجران و صنعتگران و روحانیان و نظامیان، تقسیمات جنسیتی، گروه‌های کج‌رو و منحرف و جز آن‌ها و همچنین معماری دینی و عرفی، مباحث راجع به مواجهه و رفتار مردم با طبیعت و بافتارها و نیروهای طبیعی و محیط زیست و امثال این‌هاست. (۲) روابط مردم با زیست‌جهان غیرمادی و مناسبات حاکم بر آن‌ها که دربردارندهٔ آیین‌ها و باورها و آداب و رسوم ناظر بر آن‌ها و معتقدات و رفتارهای دینی مردم و نیز مسائل راجع به فرهنگ و آموزش و پرورش و انتقال علوم و معارف و سنن به

شیوه‌های گوناگون است (نک موسی‌پور بشلی، ۱۳۸۶: «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین...»، ص ۱۴۷-۱۴۸).

البته، در این تعریف کوشیده‌ام جایگاه سیاست/سیاسیات را هم که همواره یکی از نقاط ابهام در مطالعات تاریخ اجتماعی بوده است، مشخص کنم. در واقع پیش از تأسیس نخستین گروه تاریخ اجتماعی در دانشگاه هاروارد آمریکا در ۱۹۶۹ میلادی، استفاده از عنوان تاریخ اجتماعی برای گونه‌ای یا طیفی از گونه‌های مختلف مطالعات تاریخی با رهیافتی جدید، با این پرسش اساسی مواجه می‌شده که پس نقش سیاست و حکومت در این نگرش جدید تاریخی که مدعی تاریخ مردم است، چگونه در نظر گرفته می‌شود. دیدگاه معروف و البته بسیار قابل بحثی که ترولین<sup>۱</sup> در ۱۹۴۲ میلادی در این باره ارائه کرد و در آن روزگار برای مدت کوتاهی در آکادمیای غرب شهرتی یافت، این بود که تاریخ اجتماعی عبارت است از تاریخ منهای سیاسیات<sup>۲</sup>. این تعریف مشخصاً به هیچ روی جامع آنچه در دو دهه بعد، در آستانه تأسیس نخستین گروه دانشگاهی تاریخ اجتماعی در غرب و نیز نخستین مجله‌های پژوهشی تاریخ اجتماعی<sup>۳</sup> (از ۱۹۶۷)، «مطالعات تاریخ اجتماعی» خوانده می‌شد، نبوده و به سرعت در نگرش‌های تازه‌تر مورخان اجتماعی مورد بازنگری و نقدی سخت واقع شد، گو اینکه اصولاً ارزیابی‌های دائمی و بازنگری‌های مکرر، از مشخصه‌های مطالعات تاریخ اجتماعی است و رشد فزاینده استفاده از این شیوه نوآیین در مطالعات تاریخی، از برخی جنبه‌ها مدیون همین بازنگری‌های همیشگی در تعاریف، روش‌ها، مسائل و راهبردهاست. در واقع، هم در نظر کسانی که به دنبال تعاریف ایجابی از تاریخ اجتماعی بوده‌اند و هم در نگاه کسانی که ترجیح می‌داده‌اند تاریخ اجتماعی را از جنبه‌ای سلبی تعریف کنند (یعنی روشن کنند که تاریخ اجتماعی چه نیست)، دست‌کم باید نسبت تاریخ اجتماعی با سیاست، سیاسیات و سیاست‌مداران و نخبگان حاکم قدرتمند مشخص می‌شد.

در این میان، بخشی از آنچه همواره با سیاسیات هم‌پوشانی دارد، مسئله نقش و جایگاه «افراد» در مطالعات تاریخ اجتماعی است. پاسخ به این پرسش که تاریخ اجتماعی با سیاست چه می‌کند و تفاوت تاریخ اجتماعی با تاریخ سیاسی در چیست، تا حد زیادی منوط به پاسخی تفصیلی به این پرسش مقدم است که تاریخ اجتماعی که ماهیتش با نسبتش با

---

1. George Macaulay Trevelyan  
2. history with the politics left out  
3. *Journal of Social History*

«اجتماع» معلوم می‌شود، چه نگرشی به فرد/افراد دارد و نقش و جایگاه آنان را در این مطالعات چگونه ارزیابی و تعیین می‌کند؛ از آن روی که تاریخ سیاسی، کم‌وبیش آن‌چنان که در سنت تاریخ‌نگاری ما و البته در تمام جهان مرسوم بوده، عبارت بوده است از پرداختن به کنش‌ها و واکنش‌های مردان بزرگ و وصف زندگی و تصمیمات سیاسی آن‌ها در جریان اداره حکومت و شرح آنکه این افراد بزرگ، چگونه قدرتی را که به دستشان افتاده بود یا آن را به دست آورده بودند، در قبال اتباع خود (تاریخ حاکمیت سیاسی و تاریخ تشکیلات) یا در قبال اتباع بیگانه (تاریخ دیپلماتیک یا تاریخ نظامی) اعمال می‌کرده‌اند. از این نظر، تعیین تکلیف نسبت تاریخ اجتماعی با تاریخ سیاسی، در گرو روشن ساختن نسبت تاریخ اجتماعی با تاریخ فردمحور سنتی است و پاسخ به این پرسش و روشن ساختن این موقعیت مبهم و سؤال‌برانگیز، از اولویت‌های آموزش تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود.

آیا صفت اجتماعی در عنوان تاریخ اجتماعی، به معنای نفی هرگونه توجه و پرداختن به فرد/افراد در مطالعات تاریخ اجتماعی است؟ (درباره این صفت «اجتماعی» در تاریخ اجتماعی، در گفتاری جداگانه باید سخن گفت؛ همچنان که لازم است در آینده به سؤال اصلی این بحث، یعنی نسبت تاریخ اجتماعی با تاریخ سیاسی نیز به نحو مبسوطی پرداخته شود). آیا تاریخ اجتماعی از آن رو که قرار است به تاریخ جمع‌ها/گروه‌ها/اجتماعات/و احتمالاً جامعه و به اصطلاح به تاریخ مردم بپردازد، از مراجعه به داده‌های راجع به فرد/افراد (افراد بزرگ/خواص/نخبگان یا افراد معمولی) صرف نظر می‌کند؟ در این صورت، سهم و اهمیت انبوه داده‌هایی که در انواع مختلف تاریخ‌نگاری درباره افراد خاص پدید آمده است، در مطالعات تاریخ اجتماعی چیست؟ از نظرگاه تاریخ اجتماعی، افراد بزرگ چه نقشی در ظهور و بروز رویدادها و چه جایگاهی در تصمیم‌سازی‌ها یا تصمیم‌گیری‌های مهم مؤثر در ایجاد ساختارها یا تغییرات اجتماعی دارند؟ آیا مورخان اجتماعی به کلی این نقش و کارکرد فردی را در توصیف و تبیین‌های خود نادیده می‌گیرند یا در نگرش‌های علیت‌شناختی‌شان، افراد را به‌طور کلی فاقد عاملیت تلقی می‌کنند؟ و اصولاً رهیافت تاریخ اجتماعی به منابع دربردارنده داده‌های فردی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا باید روشن کنم که در این زمینه دست‌کم دو دریافت عمده از مفهوم داده‌های فردی مد نظر است: (۱) داده‌هایی که راجع و ناظر به فردند و درباره یک شخص بخصوص در تاریخ به ما آگاهی‌هایی می‌دهند، و (۲) داده‌هایی که آن‌ها را یک فرد، بر اساس دیدگاه خاص خودش پدید آورده است.

۱. مسئله رهیافت تاریخ اجتماعی به داده‌های فردی به معنای داده‌های راجع به فرد/ افراد در واقع پاسخ به این پرسش اساسی که رهیافت تاریخ اجتماعی به فرد و اسناد و منابع و اطلاعات راجع به افراد (که بخش اعظم متون سنتی تاریخی را هم، همین گونه از داده‌ها تشکیل داده است) چیست، بخشی از بحث‌های این کتاب خواهد بود.

در این بخش از مباحث، از فرد/ افراد به مفهوم (۱) رجال و معاریف و نخبگان در حوزه‌های مختلف، (۲) رجل سیاسی یعنی یک عامل در حوزه قدرت، (۳) عضوی از توده مردم در برابر فرمانروایان، (۴) عامل/ کنش گر در برابر ساختار، (۵) کنش گر اصلی در یک رویداد، (۶) یک واحد بررسی در مطالعات تاریخ اجتماعی، و (۷) عضوی از طبقه خواص در برابر طبقه عوام، سخن رفته است.

## ۲. مسئله رهیافت تاریخ اجتماعی به داده‌های فردی به معنای داده‌های تولیدشده یک فرد

بخش دیگری از مباحث این کتاب، درباره داده‌های فردی یعنی داده‌هایی است که صرفاً یک فرد، به ویژه بر اساس ذهنیت و جهت گیری‌های فردی‌اش پدید می‌آورد اعم از خود - زندگی نامه‌ها، داستان - زندگی‌ها، یادداشت‌های شخصی، خاطرات، و روایت‌های شفاهی و جز این‌ها. در این بخش، از فرد به عنوان شاهد یا راوی رویدادها و به مثابه تولیدکننده داده‌های فردی بحث می‌شود.

این یک کتاب روش شناسی در مطالعات تاریخ اجتماعی است نه کتابی در زمینه روش تحقیق و مآخذشناسی. بنابراین، در این کتاب قصد ندارم انواع و گونه‌های مختلف منابع درباره افراد (کتاب‌های رجال و طبقات و وفیات و مزارات و سوانح حیات و...) یا منابع حاوی داده‌های تولیدشده افراد (کتاب‌های خود-زندگی نامه و روایت‌های شفاهی و...) در جهان اسلام را بررسی و تقسیم بندی و معرفی یا نقد کنم. فرض من این است که خواننده مباحث این کتاب، درباره چیستی و انواع منابع دربردارنده داده‌های فردی در تاریخ نگاشته‌های مسلمانان، اطلاعات کافی دارد و در این کتاب می‌خواهد از اهمیت این داده‌ها در مطالعات تاریخ اجتماعی و چگونگی مواجه شدن مورخ اجتماعی با این داده‌ها آگاه شود.<sup>۱</sup>

۱. برای نمونه‌ای از مآخذشناسی یا بررسی منابع داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی نک فوربز منز، ۱۳۹۰: ص ۸۳-۱۲۱.

همچنین، بنا نیست در این مختصر که گامی مقدماتی در توضیح نگرش و طرز مواجهه مورخ اجتماعی با فرد و داده‌های فردی است به رهیافت‌های گوناگون به فرد و داده‌های فردی در طیف وسیع مطالعات تاریخ اجتماعی پرداخته شود، بلکه نگرش اصولی و رهیافت عمومی تاریخ اجتماعی به این گونه از داده‌ها مطرح، دیدگاه‌های متقدم‌تر، نقد و دیدگاه‌های جدیدتر، بررسی خواهند شد.

خواهم کوشید در این کتاب با رویکردی آموزشی، رهیافت کلی تاریخ اجتماعی به «فرد» و نیز اهمیت اسناد و منابع و داده‌های فردی موجود در سنت تاریخ‌نگاری را چونان منبعی برای مطالعات تاریخ اجتماعی نشان دهم و به‌ویژه تلاش خواهم کرد این اهمیت و کاربرد را با بیانی جزئی‌پردازانه و عمل‌گرایانه و نه با نظریه‌پردازی‌های بی‌مورد و ملال‌آور و فاضل‌مآبانه، روشن کنم. البته در این مسیر، از مطرح ساختن پاره‌ای مباحث نظری‌گزیری نیست، با این حال، از درگیر ساختن دانشجویان با لفاظی‌های بیهوده نظری پرهیز خواهم کرد و در حد امکان، تمرین‌هایی عملی از متون را نیز برای آشنا شدن خوانندگان با روش‌های کاربردی و ملموس تحقیق در این دست داده‌ها، در کتاب خواهم گنجاندم تا به نوعی ارتباط عملی این مباحث روش‌شناختی با روش تحقیق در مطالعات تاریخ اجتماعی با کمک داده‌های فردی نیز مشخص شود.

این کتاب بر اساس تجمیع چند درس گفتار پدید آمده که پیش‌تر در قالب سخنرانی‌ها و کارگاه‌هایی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، فرهنگستان هنر، پژوهشکده تاریخ اسلام و کتابخانه ملی و یک دوره تدریس درس مبانی تاریخ اجتماعی اسلام برای دانشجویان دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه بین‌المللی قزوین ارائه شده بود و از این رو، صورت‌بندی و انسجام معمول در یک کتاب متعارف در متن لحاظ نشده است. با این حال، این شیوه دست‌کم از لحاظ آموزشی مزایایی دارد، از جمله اینکه این درس‌ها بر اساس نیازهای واقعی دانشجویان و پژوهشگران و پرسش‌های مشخص و موردبه‌مورد آن‌ها در جلسات مختلف دانشگاهی ایراد شده است، نه اینکه صرفاً محصول طرح ذهنی از پیش تعیین‌شده شخص نویسنده و مطلوب و مرضی علاقه‌مندان به قالب‌های سنتی تألیف کتاب باشد. در شیوه سنتی، نویسنده در جایگاهی فراتر از یک معلم و راهنما می‌نشیند و آنچه خود صلاح می‌داند برای شاگردان می‌گوید، ولی در این قالب گفت‌وگومحور، نویسنده با دنبال کردن اهداف آموزشی‌اش، در مقام یک معلم باقی می‌ماند و بحث‌ها را بر اساس گفت‌وگویی واقعی در جلسات درس و بحث با مخاطبان، پیش می‌برد و سامان می‌دهد. به هر

روی، امیدوارم این کوشش مقدماتی برای علاقه‌مندان، مفید و برای تحقیقات در تاریخ اجتماعی ایران و اسلام و همچنین طرح بحث‌های روش‌شناختی بعدی تا حدی راهگشا باشد. همچنین، باید یادآوری کنم که برخی از مطالبی که در این کتاب به اجمال آمده، در بخش‌های دیگری از درس‌گفتارها توضیح داده شده و از این رو ملاحظه‌مجموعه کامل این درس‌گفتارها مفیدتر خواهد بود. به همین دلیل است که در این متن مکرراً خوانندگان را به دیگر مقالات خودم ارجاع داده‌ام، چراکه تفصیل برخی مثال‌ها یا تکنیک‌هایی که در این مجموعه به آن‌ها فقط اشارتی شده، در آن مقالات آمده است.

نقد و نظرهای استادان و دانشجویان محترم را برای اصلاح خطاها و کاستی‌های این درس‌گفتارها بر دیده خواهم نهاد. امین مهربانی و حسین بیاتلو و زهیر صیامیان گرجی در طول این پژوهش و نگارش یاری‌ام کرده‌اند و مرا مرهون مهربانی‌شان ساخته‌اند. از ایشان و همه همکاران و دانشجویانم که در تولید این اثر نکاتی سودمند را یادآور شده‌اند سپاسگزارم.

ابراهیم موسی‌پور بشلی

تهران

فروردین ۱۴۰۱